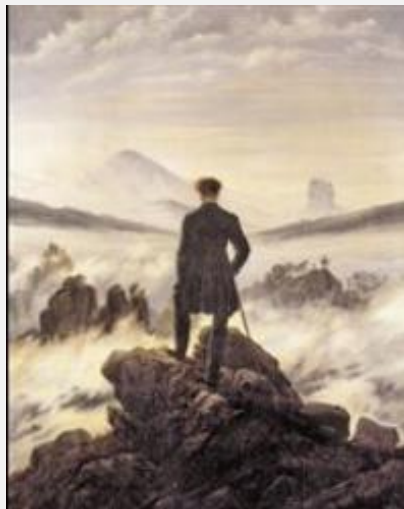


## رمانتیسم و امید به روشنگری

واژه «رمانتیسم» از «Romance» مشتق شده است که در آخر قرون میانه در اروپا رواج داشت و به معنای زبان‌های مشتق از لاتین به کار می‌رفت.



واژه «رمانتیسم» از «Romance» مشتق شده است که در آخر قرون میانه در اروپا رواج داشت و به معنای زبان‌های مشتق از لاتین به کار می‌رفت.

این عبارت به‌زودی واژگان دیگری مانند افعال roman, romanz و romancier، ساخت که به معنای تولید محصولات ادبی و زبانی نوشته شده به این زبان‌ها بود. برای این صورت‌های ادبی نام‌هایی مانند roman, romanz و romanzo را به کار می‌بردند و منظورشان قصه‌ها و حماسه‌هایی معمولاً عامیانه بود که از ماجراهای پهلوانی و عجیب و غریب و خیال‌انگیز انباشته باشد. از ریشه همین نام‌ها بود که در سال 1650 م صفت romantic در زبان انگلیسی ساخته شد و خیلی زود در زبان‌های فرانسه (Romanesque) در 1661 م) و آلمانی (Romanisch در 1663 م) هم وارد شد.

در سال 1660 م در زبان انگلیسی این واژه را برای توصیف مناظر طبیعی خیال‌انگیز و وحشی به کار گرفتند و در همین حدود بود که این عبارت برای توصیف شیوه باغ‌آرایی انگلیسی که در مقابل روش فرانسوی شکل گرفته بود و برخی از پیش‌نهادهای اصلی آن مانند نظم و تقارن را نفی می‌کرد هم، به کار گرفته شد. در اینجا لازم به ذکر است که شیوه باغ‌آرایی یکی از هنرهای وابسته به معماری است که در نیمه نخست قرن هفدهم نگرش فرانسوی بر آن چیره بود. این نگرش زیر تأثیر جنبش روشنگری و خردگرایی آن عصر، به سنجیدگی زوایا و مناظر و حساب‌شدگی و وقار و نظم و تقارن تأکید می‌کرد. این شیوه در انگلستان هم رواج یافت، تا اینکه در تاریخ یاد شده زیر تأثیر برداشت‌های هنرمندانه وارد شده از چین و تغییر سلیقه اشراف انگلیسی نوع رمانتیک بر آن غلبه یافت. پس از آن بود که این عبارت در زبان فرانسه هم به شکل جدیدترش (romantique در 1776 م) رایج شد و آن را هم برای اشاره به مناظر و شیوه باغ‌آرایی انگلیسی به کار گرفتند.

عبارات رمانتیک و رمانتیسم در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به‌عنوان برجستگی برای جنبش ادبی و هنری عصیانگر و انقلابی اروپا به کار گرفته شد. گویا مقاله ژ. ه. فوس در سالنامه زنگوله که با نقدی گزنده بر آثار برخی از شاعران جوان همراه بود، نخستین کاربرد مدرن این واژه باشد. این عبارت به‌کندی توسط افراد منسوب به این جریان پذیرفته شد؛ چنان که در فرانسه نخستین کسی که این عنوان را پذیرفت استاندال بود و او هم تا 1818 م زیر بار این عنوان نرفت.

اگر از تاریخچه اسم این جنبش درگذریم، آغاز تفکر رمانتیسمی را در تاریخی پیش از این خواهیم یافت. معمولاً انتشار ترانه‌های غنایی وردزورث و کارلیچ در سال 1798 م را به‌عنوان سرآغاز تأسیس این نهضت در نظر می‌گیرند. وردزورث در مقدمه این مجموعه به‌طور صریح به مدافعان انگاره نوکلاسیک مانند پوپ و جانسن اعلان جنگ داد و احساسات را بر عقل مرجح دانست و پرداختن به موضوعات مردمی و روستایی و عامیانه را وظیفه شاعر راستین شمرد. شاعرانی بزرگ مانند بایرون، شلی، کیتس و بلیک به این جریان وابسته بودند و در چارچوب این بیانیه آثار بزرگی را آفریدند.

به این ترتیب، این جنبش نخست در میان ادیبان و شاعران انگلیسی آغاز شد و بعد از آنجا به آلمان منتقل شد و در پیوند با فلسفه ایده‌آلیسم آلمانی، در مجله آتنائوم و نوشته‌های فردریش و آگوست ویلهلم شلیگل (مکتب ینا) به اوج نظری خود رسید. این دیدگاه انقلابی و به‌ظاهر طغیانگرانه در نسل بعدی رمانتیست‌های آلمانی (مکتب هایدلبرگ) شاعران و نویسندگانی مانند هوفمان، یاکوب گریم، برنتانو، آرنیم و شامیسیو را به خود جلب و فضای روشنفکری آلمان را زیر تأثیر خویش دگرگون کرد.

بازتاب این نظریات از طریق کتاب مهم مادام دو استال درباره ملت آلمان و جلسات روشنفکرانه سالن او، به فرانسه منتقل شد و به شورش موفق بر حاکمیت تفکر نوکلاسیک منجر شد. برای اینکه چگونگی این انتقال موج رمانتیسم را در سه فرهنگ اصلی اروپایی بهتر بفهمیم، باید کمی از تاریخ یادشده عقب‌تر برویم و زمینه تاریخی ظهور این جنبش را دقیق‌تر تحلیل کنیم. می‌دانیم که قرون 14 تا 16 میلادی در اروپا به عصر نوزایی شهرت یافته است. در این دوران، روند شکسته‌شدن زبان رسمی و فراگیر لاتین به زبان‌ها و گویش‌های محلی اروپایی به مرحله کمال خود رسید و توجه به زبان بومی و ملی‌گرایی همزمان با توجه به ادبیات و حقوق و دانش عصر روم و یونان باستان رشد کرد.

عنوانی که اندیشمندان و نویسندگان عصر نوزایی برای جنبش خود برگزیدند، از واژه «classicus» لاتین به معنای اشرافی و نخبه مشتق شده بود و به همین دلیل این جنبش در هنر و ادبیات به نوکلاسیسم شهرت یافت. پیشوند نو برای این به کار گرفته شده است که این عصر را از آثار جاافتاده و برجسته تمدن رومی در قرون نخستین میلادی متمایز کند؛ چراکه عبارت کلاسیسم نخست برای

اشاره به آثار این نویسندگان و هنرمندان به کار گرفته شده بود. نوکلاسیسم در قرون 17 - به رهبری فرانسه- و 18 - به رهبری انگلستان- بر فضای فکری اروپا سیطره داشت و دوران اوج آن را 1650 تا 1775 م گفته‌اند، و این برابر با دورانی است که راسین، مولیر، بوالو و لافونتن در فرانسه و درایدن، سویت و جانسن در انگلستان قلم می‌زدند و از برتری مهارت و فن بر نبوغ و عقل و خرد بر احساسات و هیجان‌ها دفاع می‌کردند. ناگفته پیداست که جنبش نوکلاسیسم در واقع نوعی جهان‌بینی و فلسفه نو بود و نمود آن در آثار ادیبانی که نامشان را بردیم، تنها وجهی برجسته از آن است.

به‌عنوان شاخص‌های اصلی اندیشه نوکلاسیسم می‌توان به این نکات اشاره کرد: اعتقاد به عینیت و حقیقت بیرونی، اعتقاد به نظریه محاکات ارسطویی و تقلیدی بودن اثر هنری، نگرش مکانیکی و ماشین‌انگارانه نیوتونی/دکارتی نسبت به جهان و باور به حکومت قانونمندی در همه چیز از جمله هنر، اعتقاد به پیشرفت، بهروزی بشر، راهگشا بودن علم و دانش تجربی و ریاضی، محور بودن عقلانیت عام و فراگیر، بی‌اهمیتی فرد در مقام نابغه، برتری‌دادن به فرم در برابر محتوا در اثر هنری، تقلید و پذیرش سرمشق هنرمندان، ادیبان و قانونگذاران عصر روم کلاسیک، پایبندی به کارکرد آموزشی هنر و نزاکت و وقار و خودداری هنرمند، محافظه‌کاری سیاسی و گرایش به اشرافیت و نخبه‌گرایی.

در سال‌های 1740 تا 1790 م نخستین واکنش‌ها بر ضد نوکلاسیسم در انگلستان آشکار شد. این واکنش، بعدها به نام جنبش پیش‌رمانتیسم مشهور شد و نمودی بود از زوال اشراف و قدرت‌گرفتن تدریجی طبقه نوظهور بورژوا. میراث روشنگری و نقد عقلانی به‌خوبی در هسته نظری این جنبش آشکار بود و به پیدایش نسخه‌هایی مثبت و جایگزین برای نوکلاسیسم انجامید؛ نسخه‌ای که نمونه‌اش را در مثال هنر باغ‌آرایی انگلیسی دیدیم. با این وجود، این جنبش به تدریج تغییر شکل داد و در برخی از روایت‌هایش حالتی منفی و حتی ضدعقلانی یافت. پیدایش رمانتیسم از دل این شرایط را می‌توان با اشاره به 3 عامل تفسیر کرد.

عامل نخست، آن بود که این عصر، شاهد پختگی و به اوج رسیدن برخی از روندهای اجتماعی منسوب به روشنگری بود. نتایج به‌دست‌آمده از بسیاری از این اوج‌ها، برای اندیشمندانی که چشم به راه ظهور بهشتی روی زمین بودند، باعث سرخوردگی و بدبینی شد. در سال 1764 م ماشین بخاری، در سال 1769 م ماشین بخار و در 1785 م ماشین بافندگی در انگلستان اختراع و عصر صنعتی آغاز شد. آغاز جنگ‌های استقلال آمریکا در 1775 م و پیروزی آن در 1783 م، به‌زودی با انقلاب تکان‌دهنده فرانسه در سال 1789 م دنبال شد و چهره اروپا را دگرگون کرد. دیکتاتوری ناپلئون که از سوی سرکوبگر و اقتدارگرا بود و از سوی دیگر خصلتی تراژیک و قهرمانانه را به نمایش می‌گذاشت، باعث برانگیختن بیم و امید فراوان در میان روشنفکران اروپایی شد و پس از جنگی پردامنه که ملی‌گرایی را به‌ویژه در آلمان بسیار تقویت کرد، به شکست و سرخوردگی انجامید. به این ترتیب، بسیاری از اندیشمندان این عصر در کشاکش جریان‌های سیاسی و حرکات اجتماعی، شاهد برآمدن قهرمانانی بودند که آرزوها و امیال روشنگری را تبلیغ می‌کردند و شکست و انحراف آن را نیز به چشم دیدند.

از سوی دیگر، همزمان با این تغییرات، و شاید در پیوند با این تغییرات انقلاب صنعتی نیز آغاز شده بود و شهری شدن جمعیت انبوه روستایی و پیدایش جوامع کارخانه‌ای و شهرهای دودکش‌دار قرن هجدهمی و نوزدهمی را رقم زده بود. به این ترتیب همزمان با پیدایش یک طبقه شهری محروم پرجمعیت، که اصل و ریشه روستایی داشتند، سواد و توانایی خواندن و نوشتن نیز به تدریج در این قشر نوآمده نهادینه شد. مهم‌ترین پیامد این دگرگونی‌ها، افزوده شدن بر تعداد و تغییر پایگاه اجتماعی مخاطبان روشنفکران بود. کارگران شهری‌ای که برای آب و ملک و زندگی طبیعی و وابسته به زمین خود دلتنگی می‌کردند، به انبوه زنان خانه‌داری اضافه شدند که سواد آموخته بودند و نه تنها خوانندگان و مخاطبان خوبی بودند که نویسنده و گرداننده سالن‌های روشنفکرانه هم از بینشان بیرون می‌آمد. به این شکل فضای فکری جامعه صنعتی این عصر با روحیه اشرافی عصر روشنگری تفاوت‌هایی برجسته و کیفی داشت.

سومین عاملی که می‌تواند در این زمینه مهم باشد، به واکنشی ارتباط دارد که زیاده‌روی و افراط در رعایت اصول نوکلاسیسم و پیروی کورکورانه از قوانین تعیین‌شده توسط قدما ایجاد کرده بود. سنن دست‌وپاگیر و حد و مرزهای محدودکننده و خطوط قرمز رایج، بسیاری از هنرمندان، اندیشمندان و سیاست‌بازان جوان را به اعتراض و شورش واداشته بود و اینچنین بود که واپسین بخش عصر نوزایی -عصر باروک (1600 تا 1750 م)- با وجود اینکه طلیعه رمانتیسم بود، به دلیل افراط در تزئین و سطحی‌نگری مورد حمله منتقدان قرار گرفت.

در نتیجه این نقدهای ریشه‌ای، بسیاری از متفکران بار دیگر به برخی از ریشه‌های نوافلاطونی در قلمرو ادب و هنر بازگشتند و با تأکید بر عنصر تخیل در برابر عقل و پذیرش نوعی ایده‌آلیسم شورشگر و خودمحور، روند شکل‌گیری فردیت را از مجرای متین و عامل‌گرایانه روشنگری خارج کردند و آن را به سوی نوعی قهرمان‌پرستی و نبوغ‌گرایی افراطی هدایت کردند. اینچنین بود که پیش‌رمانتیسم در نخستین کشور صنعتی‌شده، یعنی انگلستان، آغاز شد و در آلمان در قالب جنبش توفان و طغیان تداوم یافت و بزرگانی چون هردر، شیلر، بورگر و گوته جوان را به خود جلب کرد. در فرانسه این حرکت تا حدودی به دلیل قدرت انگاره نوکلاسیسم به تعویق افتاد و در مقابل، چند سال بعد با جریانی افراطی از رمانتیسم فرانسوی جبران شد.

دکتر شروین وکیلی